

حیدر علی بلوچی^۱

قراردادهای مناطق عاری از سلاحهای هسته‌ای زمینه‌ای برای خلع سلاح هسته‌ای جهان می‌باشند و بخصوص اگر سلاحهای شیمیایی و میکروبی را نیز دربرگیرند، خطر سلاحهای کشتار جمعی از بین خواهد رفت. توافق کشورهای آسیای مرکزی در مورد قرارداد منطقه عاری از سلاحهای هسته‌ای در این منطقه هرچند مستلزم موافقت و شناسایی آن از سوی قدرتهای بزرگ و سازمان ملل می‌باشد و هنوز این امر بخصوص از طرف آمریکا و روسیه در حاله‌ای از ابهام می‌باشد، در مجموع گامی به سوی امنیت پایدار تلقی می‌گردد. البته رسیدن به امنیت پایدار مستلزم رویکردی کل‌گراست. در این مقاله، ابتدا دو مفهوم قرارداد «منطقه عاری از سلاحهای هسته‌ای» و «امنیت پایدار» تعریف و سپس قرارداد مربوط به منطقه آسیای مرکزی با توجه به سوابق، تحولات و دلایل نهایی شدن متن قرارداد بررسی می‌گردد و در نهایت تأثیر امنیتی این قرارداد از منظر امنیت پایدار مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

در دنیای پیچیده کنونی، مفهوم امنیت با عوامل متعددی گره خورده است. دیگر دوران امنیت سنتی مبتنی بر بُعد نظامی صرف سپری شده و دولتها مسئول تأمین ابعاد جدید امنیت در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی نیز هستند. در چنین شرایطی، مکاتب و دیدگاههای مختلفی نسبت به مسأله امنیت پدید آمده است. به‌عنوان مثال، در حالی که رئالیست‌ها و نئورئالیست‌ها به قدرت نظامی اهمیت زیادی می‌دهند، براساس تئوری‌های اقتصادی هدف امنیت تأمین رفاه اقتصادی است و تئوری‌های اجتماعی و ایده‌الیستی برای مسایل فرهنگی اولویت‌قابل هستند. لذا؛ نگاهی به مکاتب و تئوری‌های مختلف نشان می‌دهد دیدگاه غالب هر تئوری در رویکرد آن نسبت به مقوله امنیت تأثیرگذار بوده ولی هیچ‌کدام از اینها به‌تنهایی امنیت واقعی به‌وجود نخواهند آورد و تأمین امنیت مستلزم رویکردی کل‌گرا و همه‌جانبه است.

۱. آقای حیدر علی بلوچی کارشناس مرکز مطالعات حقوقی و بین‌المللی دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی است.

خلع سلاح و کنترل تسلیحات یک رویکرد امنیتی است که ابعاد بسیاری از مسایل نظامی گرفته تا مباحث اقتصادی، سیاسی و اجتماعی را دربر می‌گیرد. زیرا در حالی که موضوع اصلی آن تسلیحات است، تبعات و جوانب غیر نظامی آن نیز بسیار حائز اهمیت می‌باشد. در یک تقسیم‌بندی کلی موضوع فوق در سه سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی قابل مطالعه است. یکی از شیوه‌های رایج خلع سلاح منطقه‌ای انعقاد قراردادهای مناطق عاری از سلاحهای هسته‌ای است. در واقع، کارشناسان خلع سلاح و کنترل تسلیحات قراردادهای مزبور را زمینه‌ای برای خلع سلاح هسته‌ای در جهان می‌دانند و همواره بر این عقیده‌اند که روزی فرا برسد تا این قراردادها دیگر انواع سلاحهای کشتار جمعی (سلاحهای شیمیایی و میکروبی) را نیز دربر گرفته و یکی از مخربترین و خطرناک‌ترین تهدیدات امنیتی را از میان بردارند.

توافق اخیر کشورهای آسیای مرکزی جهت انعقاد قرارداد منطقه عاری از سلاحهای هسته‌ای آخرین مراحل این مسأله مهم در منطقه را به پیش سوق می‌دهد. اما طبق مدل‌های استاندارد قراردادهای مزبور، مواضع و اقدامات دیگر کشورهای هسته‌ای در شناسایی این منطقه به عنوان منطقه عاری از سلاحهای هسته‌ای در موفقیت و عملی شدن توافق مزبور بسیار حایز اهمیت است. بخصوص مواضع دو کشور روسیه و چین به عنوان قدرتهای هسته‌ای همجوار در این منطقه و نیز نفوذ سیاسی و نظامی آمریکا به عنوان قدرت فرامنطقه‌ای، این مسأله را با چالش مهم روبرو می‌سازد. فراتر از این، تهدیدات امنیتی منطقه صرفاً ناشی از تهدید سلاحهای کشتار جمعی نبوده بلکه در زمینه‌های دیگری نیز مثل فتنه طالبان، تروریسم، اختلافات قومی-ملی و ... این تهدیدات مشاهده می‌شوند که در چارچوب امنیت پایدار مبتنی بر پاسخ به تمام تهدیدات امنیتی باید پاسخ داده شوند.

این مقاله قصد دارد به منظور تجزیه و تحلیل دقیقتر قرارداد منطقه عاری از سلاحهای هسته‌ای در آسیای مرکزی، در بخش اول ضمن اشاره اجمالی به مفهوم و عناصر اصلی نهاد مزبور و امنیت پایدار، در بخش دوم به بررسی سیر تحولات منطقه‌ای که به انعقاد قرارداد عاری از

سلاحهای هسته‌ای منجر شد بپردازد و نهایتاً در بخش سوم به این سؤال پاسخ بدهد که نقش قرارداد منطقه‌عاری از سلاحهای هسته‌ای در رسیدن به امنیت پایدار چیست و به‌طور کلی چه اقداماتی برای تأمین این هدف لازم است.

مفاهیم

قرارداد منطقه‌عاری از سلاحهای هسته‌ای: در کنار اقدامات بین‌المللی خلع سلاح، برخی مکانیسمهای منطقه‌ای نیز با هدف خلع سلاح هسته‌ای به عنوان مکمل اقدامات بین‌المللی وجود دارند. ایجاد مناطق عاری از سلاح هسته‌ای، اولین بار از سال ۱۹۶۷ با قرارداد تلاتولکو در مورد آمریکای لاتین و کارائیب آغاز شده است. اگر برای هر منطقه از دنیا یک چنین قراردادی بسته شود، می‌توان در انتظار جهانی عاری از سلاحهای هسته‌ای بود. بخصوص اگر توجه کنیم که معضلات امنیتی منطقه‌ای هستند که از رسیدن به هدف فوق جلوگیری می‌کنند و اشاعه سلاحهای هسته‌ای را دامن می‌زنند، در نتیجه اهمیت فزاینده ایجاد چنین مناطقی روشن می‌گردد.^(۱)

قاعده اصلی منطقه‌عاری از سلاحهای هسته‌ای عبارت از آن است که کشورهای یک منطقه به ابتکار خود طی قراردادی فی‌مابین خود علاوه بر این که حق تولید و بهره‌برداری از سلاحهای هسته‌ای را از خود سلب می‌کنند، استقرار و عبور سلاحهای هسته‌ای را از قلمرو خود منع می‌نمایند و قرارداد مزبور را به اطلاع سازمان ملل می‌رسانند. این امر باید مورد پذیرش کشورهای دیگر بخصوص قدرتهای هسته‌ای نیز قرار بگیرد. البته هرکدام از قراردادهای با توجه به شرایط خاص هر منطقه، مقررات خاصی نیز دارا هستند.

در حال حاضر چهار قرارداد منطقه‌عاری از سلاحهای هسته‌ای در حال اجراست:

۱. قرارداد تلاتولکو، ۱۹۶۷ (آمریکای لاتین و کارائیب)؛ ۲. قرارداد راروتونگا، ۱۹۸۵ (پاسیفیک جنوبی)؛ ۳. قرارداد بانکوک، ۱۹۹۵ (جنوب شرق آسیا)؛ ۴. قرارداد پلیندا با ۱۹۹۶. (آفریقا)^(۲)

مذاکرات و اقداماتی نیز در خصوص مناطق خاورمیانه، جنوب آسیا، اروپای مرکزی و شبه جزیره کره صورت گرفته که هیچ کدام تاکنون به نتیجه مشخصی نرسیده‌اند که در این مقاله به مورد آسیای مرکزی اشاره می‌کنیم.

امنیت پایدار: مفهوم امنیت پایدار برگرفته از توسعه پایدار به عنوان برنامه اصلی کنفرانس ریودوژانیرو در مورد محیط زیست می‌باشد. در واقع، همانطور که توجه به توسعه تک‌بعدی در زمینه‌های اقتصادی و صنعتی باعث نوعی بی‌توجهی به دیگر ابعاد توسعه در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی شده بود، رویکرد سنتی امنیت نیز با اتکا به ابزارها و شیوه‌های نظامی باعث غفلت از دیگر ابعاد امنیت شامل امنیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی گردیده بود. در دهه ۱۹۹۰ این تحول رویکرد به توسعه، در زمینه‌های دیگر شامل امنیت نیز تأثیرگذار گردید و بر این اساس امنیت و صلح پایدار به عنوان یکی از دستور کارهای سازمان ملل متحد برای زندگی در قرن ۲۱ قرار گرفت. در نتیجه، تأمین امنیت نظامی به معنی کنترل آشوبها و شورشهای داخلی یا مقابله با تجاوزات خارجی کافی نبوده و باید دیگر ابعاد امنیت که در برهه‌های از زمان حتی نسبت به امنیت نظامی ممکن است اولویت پیدا کنند، تأمین شوند.

برطبق رویکرد جدید، باید تهدیدات امنیتی جدید در زمینه‌های مختلف از معضلات زیست‌محیطی گرفته تا بیماری‌های جدید، قاچاق مواد مخدر و ... پاسخ داده شوند.^(۳) فراتر از آن، تلاش اصلی جامعه بین‌المللی باید جلوگیری از بروز هرگونه منازعه باشد تا این که برای مدیریت، بحرانها و منازعات سرمایه‌گذاری شود.^(۴)

قانونمند کردن رفتارهای بین‌المللی از طریق انعقاد قراردادهای بین‌المللی و پایبندی نسبت به مقررات مندرج در آنها، می‌تواند یکی از شیوه‌های تأمین امنیت پایدار باشد. خوشبختانه در این زمینه دهه ۱۹۹۰ شاهد پیشرفت‌های اساسی در توسعه مقررات بین‌المللی در زمینه محیط زیست، حقوق بشر و خلع سلاح^(۵) بود و از جمله توافقهایی به عمل آمده، توافق با

پیشنهاد قرارداد منطقه عاری از سلاحهای هسته‌ای در آسیای مرکزی بود.

قرارداد منطقه عاری از سلاحهای هسته‌ای در آسیای مرکزی

۱. سابقه: پنج کشور آسیای مرکزی شامل ازبکستان، تاجیکستان، ترکمنستان، قزاقستان و قرقیزستان، پس از ۵ سال مذاکره مستمر بالاخره در ۲۷ سپتامبر ۲۰۰۲ میلادی در مورد قرارداد منطقه عاری از سلاحهای هسته‌ای در این منطقه به توافق رسیدند. این پنجمین قرارداد منطقه عاری از سلاحهای هسته‌ای در جهان محسوب می‌گردد. البته قرارداد هنوز امضا نشده است و انتظار می‌رود پس از موضعگیری رسمی پنج قدرت هسته‌ای در مورد متن این قرارداد و جلب نظر مساعد آنها کنفرانس دیپلماتیک برای امضای قرارداد برگزار شود. در عین حال، امضای قرارداد تاکنون دوبار به تأخیر افتاده است.

سابقه ایده قرارداد منطقه عاری از سلاحهای هسته‌ای در آسیای مرکزی به سال ۱۹۹۲ و ابتکار مغولستان در اعلام این کشور به عنوان کشور عاری از سلاحهای هسته‌ای باز می‌گردد. علاوه بر اقدام مزبور، مغولستان در این سال پیشنهاد کرد تا منطقه آسیای مرکزی نیز به عنوان منطقه عاری از سلاحهای هسته‌ای اعلام گردد.^(۶)

اما اولین پیشنهاد رسمی مربوطه، در سال ۱۹۹۳ در چهل و هشتمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل توسط اسلام کریماف رئیس جمهور ازبکستان ارائه شد.^(۷) متعاقب آن کشورهای قرقیزستان و مغولستان نیز در سالهای ۱۹۹۶-۱۹۹۴ به طرح موضوع پرداختند، اما در عمل پیشرفتی حاصل نشد.

در واقع، اولین اقدام رسمی برای عملی کردن این پیشنهاد با اعلامیه آما آتا در ۲۷ فوریه ۱۹۹۷ صورت گرفت. این اعلامیه حاصل توافق نشست سران منطقه و تأیید ابتکار مربوط به قرارداد منطقه عاری از سلاحهای هسته‌ای بود.^(۸)

پس از این اعلامیه، حمایت‌های بین‌المللی در قالب قطعنامه‌های سازمان ملل و

اظهار نظرهای مساعد مقامات قدرتهای هسته‌ای در خصوص ایده مزبور صورت گرفت. در چنین شرایطی و با معاضدت سازمان ملل و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و نیز کمکهای مالی دولت ژاپن یک گروه کاری متشکل از دیپلماتهای کشورهای منطقه مأمور تدوین پیش‌نویس قرارداد شد. در این زمان بود که موانع واقعی انعقاد چنین قراردادی آشکار شدند و در نتیجه از اواسط سال ۲۰۰۰ میلادی تا ۲۰۰۲ هیچ پیشرفتی در مذاکرات صورت نگرفت.

علت اصلی عدم پیشرفت مذاکرات به رقابتهای منطقه‌ای و نوع روابط برخی از این کشورها با روسیه برمی‌گشت. در واقع، به دلیل همکاری و روابط امنیتی گسترده برخی از این کشورها مثل قزاقستان با روسیه، اصول این قرارداد شامل عدم اجازه برای استقرار و عبور سلاحهای هسته‌ای از منطقه، با مفاد قراردادهای امنیتی این کشورها با روسیه متعارض بود. در عین حال، نوع رابطه این قرارداد با دیگر قراردادهای بین‌المللی مثل قرارداد منع اشاعه سلاحهای هسته‌ای و بخصوص قرارداد ۱۹۹۲ تاشکند مبنی بر ایجاد مکانیسم امنیت دسته‌جمعی بین روسیه، قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان - که از بکستان و ترکمنستان عضو آن نبودند - مشکل دیگری بود. همین اختلاف‌نظرها باعث توقف هرگونه پیشرفت گردیده بود. روسیه نیز هرچند در سالهای ۱۹۹۷ و ۱۹۹۸ با ایده قرارداد منطقه‌عاری از سلاحهای هسته‌ای مخالفت نکرده بود، اما با گسترش ناتو و اقدامات این سازمان در منطقه بالکان تفسیرهایی مبنی بر امکان استقرار یا عبور سلاحهای هسته‌ای از منطقه در صورت درخواست اعضای قرارداد تاشکند را مطرح کرد. از سوی دیگر، پیشنهاد اعضای قرارداد تاشکند مبنی بر این که مفاد این قرارداد تأثیر بر قراردادهای قبلی نداشته باشد، با مخالفت از بکستان و بخصوص ترکمنستان رد شد و حتی ترکمنستان در جلسه گروه کارشناسی در سال ۲۰۰۰ حاضر نشد.

البته، وقوع یک رشته تحولات باعث حل اختلافات موجود در اواسط سال ۲۰۰۲ شد: تحت تأثیر حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ توازن ژئوپلتیک منطقه بسیار تغییر یافت. پس از این حوادث، آمریکا در آسیای مرکزی فعال‌تر شده و نیروهای نظامی خود را در ازبکستان و قزاقستان

مستقر ساخت. در نتیجه، نه تنها فشار روسیه از یک طرف و وابستگی و ترس کشورهای منطقه از این کشور کاهش پیدا کرد، بلکه خود روسیه حضور فعال آمریکا را در منطقه پذیرفت. دوم، با احساس آسیب‌پذیری کشورهای منطقه از تروریسم هسته‌ای که بخصوص در این منطقه امکان بالقوه آن نیز هست، قرارداد منطقه عاری از سلاحهای هسته‌ای به عنوان یک نیاز آنی برای کشورهای منطقه مطرح شد. علاوه بر این، سفر منطقه‌ای جیان‌تادانا پالا معاون دبیرکل سازمان ملل در امور خلع سلاح انگیزه مصالحه بر سر اختلافات را تقویت کرد.^(۹) در نتیجه، کشورهای منطقه در رابطه با عبارت بندی مفاد قرارداد به توافق رسیدند.

۲. انگیزه‌ها: در مقایسه با مناطق دیگر جهان، منطقه آسیای مرکزی به دلیل چندین دهه سلطه شوروی سابق کمتر مورد توجه بوده است. اما پس از فروپاشی شوروی، توجه به این منطقه به طور روزافزونی افزایش یافت. رقابت قدرتهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای برای نفوذ در این منطقه نشانگر اهمیت این منطقه است. از زمان شروع مبارزه علیه تروریسم، آسیای مرکزی به دلیل نزدیکی به افغانستان در خط مقدم این مبارزه قرار گرفته است.

در رابطه با سلاحهای هسته‌ای نیز آسیای مرکزی از اهمیت خاصی برخوردار است. زیرا به دلیل میراث اتمی شوروی بخصوص در قزاقستان که یکی از چهار مرکز هسته‌ای مهم شوروی بود، و نیز به دلیل امکان نشت هسته‌ای از طریق آسیای مرکزی به دیگر مناطق جهان و امکان دسترسی گروههای تروریستی به این تسلیحات، آسیای مرکزی مورد توجه بسیاری از بازیگران بین‌المللی قرار گرفته است. بنابراین، طبیعی است که یکی از نگرانی‌های اشاعه سلاحهای هسته‌ای در ارتباط خاص با این منطقه است و در نتیجه انعقاد قرارداد منطقه عاری از سلاحهای هسته‌ای نه تنها این نگرانی را برطرف می‌کند بلکه از چالشهای هسته‌ای بالقوه نیز جلوگیری می‌کند. نگاهی به وضعیت سلاحهای کشتار جمعی در آسیای مرکزی این مسأله را بخوبی روشن می‌کند.

در زمان شوروی، آسیای مرکزی یکی از منابع اصلی استخراج اورانیوم بود و همه کشورهای منطقه بجز ترکمنستان از منابع بزرگ اورانیوم برخوردارند. ۴۵۶ وسیله هسته‌ای شوروی در قزاقستان آزمایش شده بود. شوروی حدود ۱۴۱۰ کلاهک هسته‌ای در قزاقستان مستقر کرده بود. علاوه بر این، شوروی آزمایشات متعدد سلاحهای میکروبی و شیمیایی نیز در این منطقه انجام داده بود و تعداد زیادی از این سلاحها در این منطقه تولید می‌شد. در زمان استقلال، این مراکز و تجهیزات برای کشورهای آسیای مرکزی به ارث رسیده بود. متعاقب آن، آمریکا با احساس خطر اشاعه سلاحهای کشتار جمعی، در قالب مکانیسم‌های مختلف مثل برنامه کاهش خطرات و از طریق کمکهای یکجانبه به خلع سلاح این کشورها اقدام نمود. به‌رغم این اقدامات، نگرانی‌های اشاعه به طرق مختلف همچنان باقی است.^(۱۰) هرچند، پنج کشور آسیای مرکزی عضو قرارداد منع اشاعه سلاحهای هسته‌ای هستند، احتمال این خطر وجود دارد که فعالیتهای غیرمجاز شامل ازسرگیری برنامه‌های سلاحهای هسته‌ای، همکاری با کشورها و بازیگران دیگر در این خصوص و نیز استقرار یا عبور سلاحهای هسته‌ای از منطقه بخصوص به دلیل همجواری روسیه و چین و حضور نظامی آمریکا، در این منطقه انجام شود. همه این مخاطرات که عواقب قابل پیش‌بینی مشخصی ندارند، انگیزه لازم برای انعقاد قرارداد منطقه‌عاری از سلاحهای هسته‌ای را فراهم می‌آورند.^(۱۱)

۳. عکس‌العمل قدرتهای بزرگ: تأیید و شناسایی قرارداد منطقه‌عاری از سلاحهای هسته‌ای بسیار حائز اهمیت است زیرا در غیراین صورت، خطر نقض مقررات مندرج در قرارداد - عدم استقرار و عبور سلاحهای هسته‌ای که صرفاً توسط دارندگان امکانپذیر است - تمامیت قرارداد را تهدید می‌کند. علاوه بر این، با توجه به تعهد کشورهای منطقه در کنار گذاشتن گزینه سلاحهای هسته‌ای، قدرت‌های هسته‌ای نیز متقابلاً باید از طریق امضای پروتکل الحاقی به قرارداد خود را متعهد کنند که در مقابل آن کشورها به سلاح هسته‌ای متوسل نخواهند شد.

(تضمین امنیتی منفی)^(۱۲) در عمل، قدرتهای مزبور به جای امضای پروتکل بیانیه‌های مستقل ارائه کرده‌اند. برای توجیه چنین وضعیتی این کشورها به مقررات کلی قراردادهای فوق مثل حق شرط در مورد آزادی دریاهای و ... متوسل شده‌اند.

در رابطه با قرارداد منطقه‌عاری از سلاحهای هسته‌ای در آسیای مرکزی نیز کشورهای منطقه به ملاقات و مذاکره با نمایندگان پنج قدرت هسته‌ای (آمریکا، روسیه، انگلیس، فرانسه و چین) پرداخته‌اند. هدف از این مذاکرات اخذ تضمین‌های امنیتی لازم است و بدین‌منظور کشورهای منطقه علاوه بر گزارش وضعیت مذاکرات خود، اسناد مربوطه را نیز به آنها تحویل داده‌اند. در مقابل، قدرتهای هسته‌ای فوق به منظور بررسی دقیق‌تر اسناد خواستار زمان بیشتری شده‌اند. در نتیجه امضای قرارداد به تأخیر افتاده است. در عین حال، با توجه به وضعیت خاص نفوذ و قراردادهای روسیه با برخی از کشورهای منطقه، انتظار می‌رود، حساسیت بیشتری از سوی قدرتهای بزرگ به خرج داده شود، هرچند که کشورهای منطقه به منظور جلوگیری از بروز مشکلات این چنینی، عبارت‌بندی مبهم و کلی انتخاب کرده‌اند و در نهایت به‌طور ضمنی عدم تأثیرگذاری بر مقررات امنیتی و دیگر توافق‌ها را تأیید نموده‌اند.^(۱۳)

البته، قدرتهای هسته‌ای به‌طور کلی با ایده منطقه‌عاری از سلاحهای هسته‌ای در آسیای مرکزی موافق هستند، اما درباره کیفیت تعهدی که باید در قبال این قرارداد بدهند، ملاحظه دارند. علاوه بر روسیه، آمریکا نیز به‌طور فعال از ایده منطقه‌عاری از سلاحهای هسته‌ای آسیای مرکزی حمایت کامل نکرده و هرگونه موضعگیری واقعی را به متن نهایی قرارداد موکول کرده است. با توجه به سیاست دولت کنونی آمریکا در رابطه با خلع سلاح و پایگاههای جدیدی که آمریکا در منطقه به‌دست آورده است، حمایت کامل و بی‌قیدوشرط آمریکا از این قرارداد بعید به نظر می‌رسد. احتمالاً موضع انگلیس و فرانسه نیز مشابه موضع آمریکا خواهد بود. تنها چین به‌طور صریح و کامل از این قرارداد حمایت کرده است.

۴. عملکرد سازمان ملل: در تمام قراردادهای مناطق عاری از سلاحهای هسته‌ای، کمکهای فنی و شناسایی رسمی سازمان ملل در نهایی شدن توافقات و تسهیل لازم‌الاجرا شدن قرارداد بسیار مؤثر است. در واقع، پس از قدرتهای هسته‌ای، حمایت سازمان ملل به منزله حمایت جهانی از این قراردادهاست.

در رابطه با قرارداد منطقه عاری از سلاحهای هسته‌ای در آسیای مرکزی، سازمان ملل از همان ابتدای طرح موضوع در کمیته اول مجمع عمومی آن را کاملاً مورد حمایت قرار داده است. در این راستا، سازمان ملل متحد تاکنون قطعنامه‌های زیر را تصویب کرده است. S. ۵۲/۳۸ (۹ دسامبر ۱۹۹۷)، A. ۵۳/۷۷ (۴ دسامبر ۱۹۹۸) و W. ۵۵/۳۳ (۲۰ نوامبر ۲۰۰۰). در این قطعنامه‌ها علاوه بر حمایت از ابتکار عمل کشورهای منطقه، از دبیرکل سازمان ملل خواسته شده تا کشورهای منطقه را در هماهنگی برای رسیدن به توافق اصلی کمک نماید. در راستای اجرای این درخواستها، معاونت دبیرکل در امور خلع سلاح از طریق مرکز صلح و خلع سلاح در آسیا و پاسیفیک این معاونت، کمکهای فنی و تخصص لازم را در اختیار کشورهای منطقه قرار داده است. کمکهای فنی و مالی و نیز مشاوره‌های این مرکز نقش مهمی در پیشبرد مذاکرات گروههای کارشناسی داشته است. به‌منظور کمک به نهایی کردن متن قرارداد، معاون دبیرکل حتی به منطقه سفر نموده و با مقامات بلندپایه پنج کشور آسیای مرکزی ملاقات کرد. پس از نهایی شدن متن قرارداد نیز، معاونت مزبور ترتیب ملاقات نمایندگان کشورهای منطقه و قدرتهای هسته‌ای را فراهم آورده است. (۱۴)

وضعیت امنیتی منطقه

در تجزیه و تحلیل وضعیت امنیتی منطقه آسیای مرکزی از منشور امنیت پایدار، چالش‌های امنیتی متعددی به چشم می‌خورد که تنها یکی از آنها تهدیدات هسته‌ای است. بخصوص در سالهای اولیه پس از فروپاشی شوروی و اوضاع نابسامان از نظر عملکرد دستگاههای حکومتی و نظامهای اقتصادی و اجتماعی، این وضعیت بارزتر بود. از جمله، به دلایل متعدد

امکان نشت، قاچاق و یا سرقت هسته‌ای یکی از تهدیدات امنیتی محسوب می‌گردد. اما به مرور زمان در حالی که سیاستهای اتخاذ شده برای مقابله با این وضعیت باموفقیت‌هایی همراه بود، بسیاری از چالشهای امنیتی دیگر هنوز مرتفع نشده‌اند.

از میان این چالشها می‌توان به مهمترین آنها شامل تروریسم، فتنه طالبان، فساد اداری، قاچاق مواد مخدر، اختلافات قومی - ملی و جنایات سازمان یافته، بحرانهای زیست‌محیطی، بیماری‌های جدید و... اشاره کرد. هرچند از این چالشها به عنوان چالشهای امنیتی قرن ۲۱ یاد می‌گردد،^(۱۵) ولی در منطقه آسیای مرکزی این وضعیت نمود خاصی دارد.

با توجه به قوت زمینه‌های فتنه طالبان در این منطقه، امکان نفوذ و فعالیت گرایشهای افراطی بسیار زیاد است.

یکی از اشکال فعالیتهای افراطی همچنان که در افغانستان دیدیم، توسل به تروریسم است. نگاهی به وضعیت تروریسم در منطقه آسیای مرکزی اقدامات تروریستی مختلفی را نشان می‌دهد.^(۱۶)

قاچاق اسلحه و مواد مخدر یکی از راههای تأمین مالی فعالیتهای تروریستی است و لذا تروریست‌ها از روی آوردن به اینها نیز طفره نمی‌روند. وضعیت افغانستان، بخصوص در دوره طالبان، و حتی پس از آن به دلیل عدم سلطه کامل دولت مرکزی فضای مناسبی برای چالش‌های امنیتی مختلف به وجود می‌آورد. یکی از ریشه‌های ظهور چالشهای امنیتی جدید در منطقه، وضعیت افغانستان قبل از سقوط طالبان بود.

به‌طور کلی، انتقال ناگهانی و غیرمنتظره کشورهای آسیای مرکزی به یک استقلال حقوقی، حس شدید ناامنی را در تمام سطوح جامعه اعم از افراد و مقامات کشوری و در روابط درون منطقه‌ای و نیز روابط بین‌المللی به وجود آورده است.

هریک از این سطوح بر دیگری یا سایرین تأثیر می‌گذارد و بی‌ثباتی عمومی و پتانسیل

بی‌نظمی را گسترش می‌دهد.^(۱۷)

نتیجه گیری

منطقه آسیای مرکزی یکی از مناطق حساس امنیتی به لحاظ امکان اشاعه سلاحهای هسته‌ای است. به علاوه، رقابت قدرتهای بزرگ در نفوذ و حضور در این منطقه احتمال خطر استقرار و یا عبور سلاحهای هسته‌ای را از این منطقه افزایش می‌دهد. لذا، انعقاد قرارداد منطقه‌ عاری از سلاحهای هسته‌ای پاسخ مناسبی برای این چالش است. اصلی‌ترین اثر امنیتی قرارداد مزبور، رفع خطر هسته‌ای در منطقه است.

البته، چنین قراردادی آثار جانبی دیگری نیز دارد. با توجه به هر زاویه دید، برداشت‌های متفاوتی از واقعیات اجتماعی وجود دارد. از نگاه امنیت پایدار، قرارداد منطقه‌ عاری از سلاحهای هسته‌ای علاوه بر رفع تهدیدات امنیتی سنتی، با توجه به امکانی که برای سرمایه‌گذاری در بخشهای اجتماعی و اقتصادی فراهم خواهد آورد، به تقویت امنیت پایدار کمک خواهد نمود. زیرا با رفع این خطرات دیگر نیازی به اختصاص بودجه برای پاسخگویی به نگرانی‌های سنتی وجود نخواهد داشت و از سوی دیگر فرصت و امکان مقابله با چالش‌های امنیتی جدید به وجود خواهد آمد. در مجموع، قرارداد منطقه‌ عاری از سلاحهای هسته‌ای اثر امنیتی مثبتی خواهد داشت. برای رسیدن به امنیت پایدار این اقدام به تنهایی کافی نیست، بلکه سیاستها و اقدامات دیگری نظیر مقابله با تروریسم، فساد، بحرانهای زیست‌محیطی، جنایات سازمان یافته و ... ضروری هستند. در این راستا، سازمان شانگهای و برنامه امنیت و همکاری منطقه‌ای مکانیسم مناسبی برای مقابله با برخی دیگر از چالشهای فوق می‌باشند، اما با توجه به رویکرد سیاسی غالب در آنها باز برخی دیگر از معضلات امنیتی همچون مشکلات محیط زیستی خارج از دستور کار آنها می‌باشند. هرچند در سطح منطقه مکانیسم‌هایی تعبیه شده است، اما این مکانیسم‌ها باید با سیاستهای ملی حمایت و تکمیل شوند. به عبارت دیگر، صرف‌نظر از اهمیت و تأثیر گسترده اقدامات منطقه‌ای، رسیدن به امنیت پایدار مستلزم رویکردی کل‌گرا و همه‌جانبه است. یعنی سیاستهای اتخاذ شده در سطوح مختلف ملی و منطقه‌ای باید سازگار و مکمل همدیگر

باشند و برنامه‌های موجود نیز یک‌سویه و تک‌محوری نباشند. پاسخ به معضلات امنیتی به هر صورت لازم است، اما نمی‌توان به بهای اولویت یکی، دیگری را به فراموشی سپرد. البته، برآورد دقیق از تأثیر امنیتی قرارداد منطقه عاری از سلاحهای هسته‌ای در آسیای مرکزی زمانی ممکن خواهد بود که قرارداد لازم‌الاجرا شده و کشورهای عضو و مؤثر، اراده سیاسی لازم برای پایبندی کامل به مقررات مربوطه را داشته باشند. در حال حاضر، ابهام در اهداف قدرتهای بزرگ، بخصوص در رابطه با قرارداد مزبور، چالشی بالقوه در مقابل این قرارداد را در افق آینده آن نمایان می‌کند. نباید فراموش کرد که با توجه به تروریسم کشتار جمعی، امنیت منطقه با تروریسم شیمیایی و میکروبی نیز مواجه است.

یادداشت‌ها

1. P. Gasparini Alves and D.B. Cipollone, *Nuclear - Weapon - Free Zones in the 21 st Century* (UN: New York, 1997) p.vii.
2. *Ibid.*
3. کرگ میلز «دستور کار امنیتی قرن ۲۱: آیا دفاع آنچنان که می‌دانیم به پایان می‌رسد؟» ترجمه، فصلنامه امنیت ملی، سال اول، شماره یک، پاییز ۱۳۷۸، ص ۱۲۶.
4. Connie Peck. *Sustainable Peace* (New York: Carnegie Commission on Preventing Deadly Conflicts, 1998).
5. سعید میرزایی ینگجه، تحول مفهوم حاکمیت در پرتو تحولات سازمان ملل متحد، (تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۳).
6. Tarq Rauf. *Mongolia's International Security and Nuclear Weapon Free Status*.
www.iir.ubc.ca.
7. www.un.org/Peace and Security/Disarmament.

8. February 1997 Almaty Declaration. www.cns.edu.
9. Scott Parish. "Central Asian States Achieve Brekthrough on Nuclear Weapon Free Zone Treaty" www.cns.edu
10. WMD Assets in Central Asia. www.cns.edu.
11. Scott Parish. *op.cit.*
12. Nuclear Weapon free zones, International Organizations and Nonproliferation Project, July 1997. www.cns.edu.
13. Christine kucia. "Central Asian States Negotiate Nuclear weapon free zone" www.armscontrol.org.
14. www.un.org/dda/DC/2837.
15. کرگ میلز، پیشین.
16. Burkhard Conrad. "Regional (non-) Proliferation: The Case of Central Asia" Disarmament Times. www.igc.apc.org.
17. شیرین آکینر، «تهدیدات و تصور تهدیدات در آسیای مرکزی»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال پنجم، دوره دوم، شماره ۱۳، بهار ۱۳۷۵، ص ۱۰۶.

